

زنان و انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ نشانه شناسی ۵۰ عکس خبرگزاری‌های خارجی از حضور زنان مصر در انقلاب و پس از آن

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1400.28.3.6.9

سیدعبدالامیر نبوی* مریم پیمان**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۱

چکیده

در خلال تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی موجود از نقش و حضور زنان در انقلاب ژانویه ۲۰۱۱، آنان اغلب در دو قالب بررسی و تحلیل شده‌اند؛ زنان فعال در حوزه سیاسی مانند اعضا و فعالان احزاب سیاسی و دانشجویان معترض. برخی دیگر از تحلیل‌ها به بررسی شرایط حضور زنان در عرصه سیاسی (انتخاب کننده و انتخاب شونده) می‌پردازند یا مطالبات زنان را در بر می‌گیرند. مقاله حاضر بر آن است تا با استفاده از روش نشانه‌شناسی بر اساس تصاویر منتشرشده از زنان در مراحل مختلف انقلاب مصر و پس از آن، ابعاد دیگری از این تحول مهم منطقه را بررسی کند و اهمیت آن را در چارچوب فعالیتهای تاریخی زنان مصر نشان دهد. از میان تصاویر منتشر شده از انقلاب مصر، سه حادثه مهم تحصن‌های ابتدایی در میدان التحرير، انتخابات ریاست جمهوری، برنامه‌های اعتراضی و یا حمایتی از حقوق زنان و مبارزه با تجاوز در مراسم دومین سالگرد انقلاب مصر برای بررسی در این نوشته انتخاب شده‌اند تا بر اساس نشانه‌ها به پرسش اصلی مبنی بر اینکه زن انقلابی مصری چه کسی است و چه ویژگی‌هایی دارد پاسخ دهد. این مقاله با بررسی عکس‌های منتشر شده در خبرگزاری‌های معتبر نقش زنان در انقلاب مصر را مستقل از مردان و نه تنها تابع و پیرو و همچنین مغایر با کلیشه‌های سنتی رایج می‌داند که در کنار مردان نه تنها به‌عنوان حامی بلکه به‌مثابه پیشرو در انقلاب مشارکت داشته و دارند.

واژگان کلیدی: انقلاب ژانویه مصر، حقوق زنان، مشارکت اجتماعی، عکس.

* دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران.

** پژوهشگر ارتباطات سیاسی، تهران، ایران.

«منتسکیو یگانه کسی بود که اعتقاد داشت قدرت و آزادی ملازم یکدیگرند و از نظر مفهومی، آزادی سیاسی در توانستن است نه در خواستن و بنابراین قلمرو سیاسی باید به گونه‌ای تعبیر و تاسیس شود که قدرت و آزادی باهم تلفیق گردند» (آرنت، ۱۳۸۱: ۲۱۲).

مقدمه

در هزاره سوم جامعه جهانی، به تعبیر کاستلز، شبکه‌ای شده است و اقتضای اصلی آن یعنی رسانه‌ها در شناخت جوامع و افراد از یکدیگر نقش گسترده‌ای داشته و دارند. رسانه‌ها با امکان بازنمایی محدود و دخل و تصرف در زمان، مکان و روایت قادرند واقعیت را نه تنها خدشه‌دار بلکه به‌عکس آن برای مخاطبان تبدیل کنند. از میان آنها، رسانه‌های تصویری با عینیتی که وامدار واقعیت است، باورپذیری را در مخاطبان تقویت و برداشت‌های گاه درست و گاه خلاف واقعی را از جوامع و ملت‌های گوناگون بر اساس منافع صاحبان رسانه‌ها و با استفاده از عدم امکان شناخت مستقیم مخاطبان از واقعیت خلق می‌کنند. این امر بیشتر در زمینه سیاسی و تقابل منافع دولت‌ها دیده می‌شود، زیرا دولتمردان برای توجیه مشکلات داخلی و نوع خاص روابط خارجی چهره توجیه‌کننده‌ای را به مردمشان ارائه می‌دهند تا مشروعیت خود را تضمین کنند (کین، ۱۳۸۳: ۱۳۷-۱۷۵).

امروزه در میان پیام‌رسان‌های جمعی، رسانه‌های جدید ارتباطی مخاطبان بیشتری را به خود جلب کرده است و «به نظر می‌رسد فرضیه دابلیو راسل نیومن تبیین قانع‌کننده‌ای باشد [...] که می‌گوید...» اگر می‌خواهیم ماهیت یادگیری نامحسوس در زمینه سیاست و فرهنگ را درک کنیم باید رک و راست با آن روبرو شویم، این است که مردم به آسان‌ترین راه گرایش دارند» (کاستلز، ۱۳۸۲: ۳۸۵). در جامعه محاصره شده با رسانه‌ها امکان تصحیح برداشت‌های فردی از هر امر واقع نیز وجود ندارد و این امر زمانی دشوارتر می‌شود که رسانه‌ها در دست قدرت یا قدرت‌های خاصی قرار داشته باشند، مانند زمانی که در کشوری رسانه‌ها تنها در دست قدرت حاکمه باشد و امکان فعالیت رسانه‌ای مخالفان آن کمتر و یا اصلاً وجود نداشته باشد. گاه، اما، تضاد منافع صاحبان رسانه‌های مختلف در یک کشور یا در نظام بین‌الملل امکان انعکاس چهره‌های متفاوت از یک واقعیت را فراهم می‌کند تا مخاطبان با مقایسه تصاویر و برداشت‌های ارائه شده به شبی

از امر واقع دست یابند. حوادث و رویدادهای سیاسی مانند اعتراض‌های خیابانی، تظاهرات ملی، مشارکت مردمی در انتخابات و انقلاب‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند (همان، ۴۳۱-۴۳۲).

رویدادها و حوادثی که در مصر از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ آغاز شد، در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ زمانی که حسنی مبارک از قدرت کناره‌گیری کرد، به پایان رسید. فعالان جریان‌های سیاسی مختلف همچون اسلام‌گرایان، لیبرال‌ها و چپ‌ها بر اساس یک هدف مشترک، یعنی حذف مبارک، متحد شدند. اعتراضات و تحصن‌های ۱۸ روزه مردم که به انقلاب مردمی مصر شهرت یافت نیز برای مردم سایر کشورها تنها از منظر و دریچه شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها قابل شناسایی بود. تاکنون گزارش‌ها و مقالات متعددی درباره نقش شبکه‌های اجتماعی در تحولات عربی، به‌خصوص مصر و نیز نحوه بازتاب این تحولات در پیام‌رسان‌های جمعی منتشر شده است، ولی درباره موضوع مقاله حاضر کمتر بررسی و مطالعه متمرکز و روش‌مندی به چشم می‌خورد.

مصر با وجود شهرتش به ناشناختگی و رمزآلودگی برای مردم دنیا چندان ناشناخته نیست، اما برای ایرانیان چندان شناختنی هم نیست. قطع روابط دیپلماتیک دو کشور از سال ۱۳۵۷ این دو ملت را با وجود شباهت‌های تاریخی و فرهنگی از هم دور ساخت. شناخت ایران پس از انقلاب از مصر و مردم آن، به رویدادهایی چون ترور سادات، خیابان خالد الاسلامبولی، پیمان کمپ‌دیوید و هم‌پیمانی با اسرائیل خلاصه شده است، هرچند نسل پس از انقلاب اسلامی، مصر باستان و افسانه‌های آن را بهتر از گذشته می‌شناسد. البته عملکرد رسانه‌های تصویری ایران پس از انقلاب ۲۵ ژانویه نیز منجر به شکل‌گیری تصویر دقیقی از مصر پس از مبارک و مردم این کشور نشده است. با این حال، امکان دسترسی به رسانه‌های کشورهای دیگر از جمله تلویزیون و سایت‌های متنوع غیردولتی، تصویر دیگری از مصر پس از مبارک را در اختیار ایرانیان قرار می‌دهد تا یکی از شبیه‌ترین ملت‌های منطقه به خود را بهتر بشناسند و با مقایسه تصاویر و تحلیل‌های رسانه‌های مختلف به واقعیت مصر امروز نزدیکتر شوند. به عبارتی، سیستم چندرسانه‌ای محیطی نمادین برای ارتباط متقابل مخاطب و رسانه مهیا می‌کند تا مخاطب تصویر نزدیک‌تری به واقعیت را به دست آورد.

باتوجه به نکات یادشده، مقاله حاضر از میان پرسش‌های موجود درباره تحولات مصر به دنبال

شناخت زنان انقلابی مصری، ویژگی‌های آنان و میزان حضورشان بر اساس تصاویر و پاسخ دادن

به این پرسش است که خواسته‌های آنان چه بوده است؟ این نوشته قصد دارد با بررسی و مقایسه تصاویر منتشر شده در فضای اینترنت به این پرسش پاسخ دهد. به این منظور از میان تصاویر منتشرشده از مصر، سه حادثه مهم تحصن‌های ابتدایی در میدان التحریر، تبلیغات و سپس جشن انتخابات ریاست‌جمهوری و اعتراض‌ها به تجاوز در مراسم دومین سالگرد انقلاب مصر انتخاب شده است تا بر اساس نشانه‌ها به پرسش یادشده پاسخ دهد. نکته اینجاست که به‌نظر می‌رسد عکس‌های منتشرشده در خبرگزاری‌های معتبر، حضور زنان در مصر جدید را در کنار مردان، نه تنها به‌عنوان حامی بلکه به‌صورت مستقل و پیشرو و مغایر با کلیشه‌های سنتی فرهنگ مصر نشان می‌دهد. از این‌رو لازم می‌نماید ابتدا درباره سابقه حقوق و آزادی‌های زنان در مصر توضیحاتی آورده شود.

حقوق و آزادی‌های زنان مصری پیش از انقلاب

بر اساس نسخ خطی و آثار تصویری به‌جای مانده از مصر باستان، زنان و مردان -برخلاف سایر تمدن‌های کهن- برابر بودند و تبعیض و تفاوت بر اساس طبقه اجتماعی و نه جنسیت تعیین می‌شده است (Seawright, 2001). حتی در زمان حمله یونانی‌ها به این کشور در ۳۳۲ قبل از میلاد زنان مصری از امتیازات بیشتری نسبت به زنان یونانی برخوردار بودند (Picone, 2005) و آنان حقوق قانونی و اقتصادی مشابه مردان مانند فروش اموال خصوصی از جمله بردگان، زمین، کالاهای قابل حمل و دام، شریک متعاهد بودن در یک قرارداد مانند ازدواج و طلاق، حق آزادکردن بردگان، برعهده‌گرفتن حضانت فرزند و غیره داشتند. به‌علاوه، هیچ محدودیت سنی برای ازدواج زنان و مردان وجود نداشت. مسئولیت و سرپرستی زن برعهده خودش بود و با ازدواج و طلاق تغییری در نام و مشخصات او داده نمی‌شد (Cornell University Library).

به‌نظر می‌رسد حقوق، آزادی‌ها و فعالیت‌های زنان در مصر در طول تاریخ سیری نزولی پیدا کرده است، زیرا آنان به‌تدریج از حقوق برابر با مردان محروم شده‌اند؛ از نداشتن حقوق مدنی مانند حق حضانت فرزندان و همچنین کاهش سن ازدواج گرفته تا محدودیت‌های فرهنگ مردسالارانه مصر در این جامعه گویای نابرابری زنان و مردان است (عزتی، ۱۳۹۰: ۲). این فرهنگ تا حدی

غالب شده است که زنان توانایی مانند عایشه عبدالعزیز را نیز به تردید در توانایی هایشان واداشته است.^۱ (لا، ۱۳۹۰). بررسی جنبش‌های زنان در صدسال گذشته و مطالبات آنان شاهدهی بر این ادعاست؛ در سال ۱۹۲۳ زنان مصری اولین سازمان فمینیستی، به رهبری هدی شعراوی، را تشکیل دادند و به نشانه اعتراض به سنت و فرهنگ مردسالارانه حاکم بر جامعه مصر، حجاب خود را برداشتند.^۲ این اقدام پس از آن صورت گرفت که ملی‌گرایان مصری به وعده‌های خود در زمینه حق رای زنان و اجازه شرکت آنان در پارلمان عمل نکردند (رک: چمنی‌مقدم، سلیم و حسنی: ۱۳۹۹: ۳۵-۶). در ادامه حزب فمینیست ملی (NFB) در سال ۱۹۴۴ با هدف گسترش سواد و آموزش در زمینه بهداشت در میان طبقه پایین قاهره، آزادسازی سقط جنین و کاهش نرخ زاد و ولد تاسیس شد (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۰: ۱-۲). از طرف دیگر، برآورد شده است که زنان کارگر نقش عمده‌ای در شورش‌های کارگری و اعتصابات دهه‌های ابتدایی و میانی قرن بیستم این کشور برعهده داشته‌اند (رک: طباطبایی، ۱۳۸۱).

به قدرت رسیدن جمال عبدالناصر، حقوق و آزادی‌های مدنی بیشتری برای زنان به همراه داشت. در سال ۱۹۵۶ به زنان حق رای، حق تحصیل و آموزش در تمامی سطوح طبقاتی و سرتاسر روستاهای مصر اعطا شد، تحصیلات دانشگاهی رایگان گردید و به همه فارغ‌التحصیلان ضمانت کار داده شد. با وجود این، میان کسب حق مشارکت و واقعیت مشارکت زنان فاصله بسیاری وجود دارد؛ چه آنکه در همان زمان سازمان‌های مستقل فمینیستی توسط دولت سرکوب شدند و تعداد نمایندگان زن کاهش یافت (همان). جامعه مصر برای نخستین‌بار در سال ۱۹۵۷ حضور ۱۶ کاندیدای زن را در میان ۲۰۰۰ مرد برای انتخابات پارلمانی براساس اصلاحات جمال عبدالناصر پذیرفت و البته درحالی‌که ۷۰ درصد مردان مخالف حضور زنان در پارلمان بودند (Herald Journal, 1957: 5-8)، تنها راهیۀ عطیه با کسب ۱۱۰۸۰۷ رای از حوزه انتخابیه‌اش به پارلمان راه یافت و در انتخابات بعدی نیز از قاهره نماینده شد (نعمات، ۲۰۰۹: ۷).

در سال ۱۹۷۹، در دوره سادات، قانون خانواده جدیدی با عنوان «قانون جهان»^۳ به تصویب

۱- عایشه عبدالعزیز یک زن روستایی مصری است که در سال ۲۰۰۸ رهبری اعتصابی برای کسب برابر حقوق زنان و مردان را در کارخانه تنباکو برعهده داشت. وی در مصاحبه با بی‌بی‌سی می‌گوید که فکر نمی‌کند مصر هرگز یک رئیس‌جمهور زن داشته باشد: «نه، نه، نه، این مشکلی برای من نیست. مصر کشور بسیار دشواری است، اداره آن واقعا به مرد احتیاج دارد».

۲- البته فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی هدی شعراوی از دهه‌ها قبل آغاز شده بود. وی در اعتراضات ۱۹۱۹ علیه انگلیس حضور فعال داشت.

۳- جهان رثوف، همسر انور سادات (۲۰۲۱-۱۹۳۳).

رسید. طرفداران حقوق زنان در مصر از این تحول حقوقی و مدنی استقبال کردند زیرا شرایط انجام طلاق برای زنان نسبت به گذشته تسهیل شده بود (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۰: ۱-۲). در سال‌های بعد زنان از فرصت‌های مشارکتی بیشتری برخوردار شدند، به گونه‌ای که بیکاری زنان مصر در سال ۱۹۸۶ از ۸,۵ درصد به ۷,۴۰ درصد کاهش یافت (همدانیان، ۱۳۹۱: ۲).

در دوره حسنی مبارک، قوانینی با نام «قوانین سوزان»^۱ تدوین شد. حق دریافت نفقه مصوب ۱۹۸۵، حق طلاق برای زنان مصوب سال ۲۰۰۰، حق حضانت فرزندان تا سن ۱۵ سالگی مصوب ۲۰۰۵ و حق ملاقات فرزندان پس از طلاق والدین و افزایش سن ازدواج قانونی به ۱۸ سال از جمله مفاد اصلی این قوانین بود. در این دوره، سهم کرسی‌های پارلمانی زنان نیز به ۳۰ کرسی افزایش پیدا کرد. تهانی الجبالی، به‌عنوان نخستین قاضی زن در سال ۲۰۰۳ منصوب شد و در ۲۰۰۷، ۳۲ زن بر اساس قید برابری حقوقی زن و مرد در قانون اساسی مصر سمت‌های قضایی را کسب کردند. مهم آنکه نرخ باسوادی زنان مصر از دهه ۱۹۷۰ تا دهه ۱۹۹۰ نیز افزایش یافت (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۰: ۱-۲).

در اواخر دوره مبارک امید زنان برای شرکت در فرآیندهای سیاسی افزایش یافت؛ پارلمان مصر در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۹، تصویب کرد که ۶۴ کرسی پارلمان بایستی به زنان اختصاص یابد و در ۳۲ حوزه انتخابیه جدید، تنها زنان می‌توانند نامزد شوند. بر اساس این قانون، تعداد کرسی‌های پارلمان از ۴۵۴ به ۵۱۷ کرسی افزایش یافت. البته اگرچه سهمیه زنان در انتخابات مجلس حذف شد، هر یک از احزاب مکلف شد تا در فهرست نامزدهایش زنان را نیز بگنجانند، به‌طوری که در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰، زنان ۳۰ درصد ثبت‌نام‌کنندگان در انتخابات را شامل شدند و بر سر ۱۵۵ کرسی از مجموع ۵۰۸ کرسی پارلمان مصر رقابت کردند^۲ (احمدیان، ۱۳۸۹: ۴).

پس از انقلاب

در تحصن‌های اعتراضی منجر به استعفای مبارک در میدان التحرير حدود یک سوم انقلابیون

۱ - این قوانین به نام همسر حسنی مبارک، سوزان مبارک، نام‌گذاری شد. او همچنین کمیته عالی خواندن همگانی و کمیته آزادی خانواده را تأسیس کرد و با راهاندازی «سازمان زنان عرب» در میان ۲۲ کشور عرب، همسران سران ۱۵ کشور را در این فعالیت‌ها سهیم کرد (رک: پورشجاعی، ۱۳۹۱).

۲ - در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰، تعداد کل واجدان شرایط رای‌دهی ۴۰ میلیون و ۲۱۹ هزار نفر بوده‌اند و ۵۱۸۱ نفر برای شرکت در انتخابات نام‌نویسی کردند. از این تعداد ۳۸۰ نامزد، زن بوده‌اند.

زن بودند و زنان و مردان در کنار یکدیگر بدون نگاه‌های جنسیتی غالب مشارکت داشتند. براساس نظرسنجی تابستان ۲۰۱۲ موسسه گالوپ، ۳۰ درصد زنان و ۷۰ درصد مردان گفته‌اند که در اعتراض‌های پیش از سقوط مبارک شرکت کرده‌اند (Gallup poll, 2012). خواسته اولیه زنان مانند مردان، توسعه اقتصادی و اجتماعی مصر بود، اما پس از انقلاب، طبق همان نظرسنجی، دغدغه زنان علاوه بر فقدان توسعه اقتصادی و اجتماعی، به نگرانی درباره اقتصاد و کمبود امنیت عینی برمی‌گردد:^۱ «تازه‌ترین نظرسنجی‌ها نیز نشان می‌دهد که بزرگترین چالش زنان مصر نیاز به احترام و امنیت در اماکن عمومی است»^۲ (Aziz, 2011: 1-2).

بنابر آمارهای بین‌المللی، اگرچه شرایط آموزشی برای زنان ازجمله متوسط سنوات تحصیل‌شان به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است، اما همچنان در سراسر جهان زنان ۲۰ درصد بیش از مردان محتمل است که تحصیلات نداشته باشند. علاوه بر شکاف آموزشی زنان و مردان مصری، مشارکت زنان عرب در امور اقتصادی و مدیریتی، بازار کار و سیاست در کمترین سطح در جهان یعنی ۲۰ درصد باقی مانده است (Shokalmay, 2012: 3). اما در جامعه مصر ۳۳ درصد زنان نان‌آور خانواده هستند و برخلاف نزدیکی عقاید زنان و مردان مصر درباره اولویت‌های پس از انقلاب، ۸۹ درصد زنان با کار خارج از منزل موافقت و تنها ۷۱ درصد مردان از این امر حمایت می‌کنند. این اختلاف نظر اگرچه در سوریه، بحرین و لیبی کمتر از مصر است، اما در تونس وضعیت مشابهی دارد و در یمن اختلاف‌برانگیزتر از سایر کشورهای عربی است.^۳

میزان مشارکت زنان در دولت در کشورهای عربی خاورمیانه با سرعت رشدی برابر ۰٫۱۷ درصد از دهه ۱۹۷۰ تاکنون ثابت بوده است و تنها ۹ درصد از کرسی‌های پارلمانی در مجموع به زنان اختصاص یافت که از متوسط جهانی یعنی ۱۰ درصد کرسی‌ها پایین‌تر است. باوجود این واقعیت، زنان و مردان عرب تا حد زیادی بر این باورند که زنان باید حقوق قانونی برابر با مردان داشته باشند (Aziz, 2011: 1-2).

پس از انقلاب، زنان به‌دلیل حضور در مراحل مختلف اعتراضات و انقلاب نه‌تنها به‌عنوان حامی

۱- زنان و مردان مصری اشاره کرده‌اند که مهم‌ترین مشکلی که خانواده‌هایشان با آن مواجهند اقتصاد و امنیت است.

۲- قبل از انقلاب ۷۵ درصد زنان شبنگام به‌تنهایی می‌توانستند در امنیت قدم بزنند، اما بعد از انقلاب تنها ۵۷ درصدند.

۳- ۸۷ درصد زنان یمنی و ۵۹ درصد مردان این کشور با کار زنان خارج از منزل موافقت. در مصر، ۸۶ درصد از زنان و ۷۹ درصد از مردان به حقوق مساوی معتقدند. ۸۸ درصد از مردان مصری و ۸۹ درصد زنان بر این باورند که هر دو گروه پسران و دختران باید دسترسی برابر به آموزش و پرورش داشته باشند. ۵۰ درصد از مردان و ۴۴ درصد از زنان شریعت را به‌عنوان تنها منبع قانون جدید و ۳۷ درصد از مردان و ۳۸ درصد از زنان آن را به‌عنوان یکی از منابع قانون می‌دانند.

مردان بلکه به عنوان شرکت کنندگان و برگزار کنندگان مهم تجمع‌های اعتراضی، انتظار مشارکت و همراهی در همه مراحل پس از آن را نیز داشتند، اما به سرعت پس از انقلاب به نقش سنتی و معمول خود بازگشتند. آنان نقش خود در انقلاب را به تعبیر عبدالصبور، بازیگر زن مصری، «حیاتی» ارزیابی می‌کردند (Philiptchenko, 2009) و به دلیل تجربه دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ برای رسیدن به حقوقشان امیدوار بودند. اما این انتظار بنابه شواهدی از جمله مصاحبه‌های فعالان حقوق زنان و آمار مشارکت زنان در سمت‌های سیاسی و اجتماعی برآورده نشد و وبلاگ‌نویسان و فعالان حقوق زنان به تدریج به این نتیجه رسیدند که آنها به حقوق سیاسی و اقتصادی‌شان نرسیده و در جریان انقلاب مصر بیشتر ابزار بوده‌اند (Aziz, 2011: 1-2) زیرا در چپش قدرت حاکم جایی ندارند. دکتر شیما العاقلی، فعال انقلابی مصر، با توجه به این احساس فزاینده در میان زنان بیان می‌کرد: «نمی‌توان گفت این انقلاب مستقیماً مشکلات زنان را حل می‌کند، ولی امیدواریم معضلات خانواده و به تبع آن زنان مصری را کاهش دهد» (العاقلی، ۱۳۹۰).

به تعبیر نووال السعداوی، نویسنده مشهور مصری، «نیمی از جمعیت ۸۲ میلیونی مصر را زنان تشکیل می‌دهند و توجه به خواسته‌ها و حقوق آنان نمی‌تواند از آزادی مصر جدا باشد». در حالی که ۸۳ درصد مردان باسوادند، تنها ۵۹٫۴ درصد زنان از این امتیاز برخوردارند. اما زنان و مردان در میدان التحریر برخلاف فرهنگ رایج مصر بدون تفاوت و آزار جنسیتی شعار می‌دادند و زنان با تهیه غذا و پرستاری از مجروحان و بیماران خدمت مضاعفی ارائه می‌کردند. «زنان نه فقط روزها بلکه بسیاری از آن‌ها در کنار مردان هرگز میدان را ترک نکردند، اما پس از کمتر از دو سال، تفاوت و تبعیض جنسیتی نه تنها در خیابان‌ها بلکه در قوانین نیز نمود پیدا کرد و واکنش مردان را در حمایت از آنان در ۱۳ می ۲۰۱۳ برانگیخت» (Re: Taher, 2012: 3).

اولین نشانه حذف رسمی زنان پس از انقلاب، نبود حتی یکی از آنان در گروه «جوانان انقلاب» در دیدار با شورای عالی نیروهای مسلح بود. همچنین هیچ زنی در «شورای فرزندان مصر» برای مشاوره دادن به شورای عالی نیروهای مسلح حضور نداشت و مهم‌تر از آن در کمیته تهیه پیش‌نویس قانون اساسی نیز زنان نبودند. در حالی که زنان مصر تنها ۲ درصد یعنی ۸ سهم از کرسی‌های نخستین پارلمان پس از انقلاب را از آن خود کردند، در تونس پس از انقلاب یک سوم فهرست انتخابات پارلمانی را زنان در اختیار داشتند و در نهایت نیز توانستند یک چهارم

صندلی‌های پارلمان را در اختیار بگیرند و از میانگین جهانی سازمان ملل متحد از مشارکت زنان در پارلمان معادل ۱۹ درصد نیز بالاتر روند. اما زنان مصر ۴,۷ درصد صندلی‌های کمیته قانون اساسی را -۴ زن در میان ۸۵ عضو- به دست آوردند و به این ترتیب طبیعی است که در میان ۱۳ نامزد انتخابات ریاست جمهوری مصر نیز نام هیچ زنی دیده نشد (Ibid). البته در نخستین مراحل انتخابات ریاست جمهوری اعلام شد که بشینه کامل، مجری مشهور تلویزیون مصر، قصد کاندیداتوری دارد، ولی انصراف وی به سرعت اعلام شد. در نهایت، محمد مرسی که در جریان انتخابات به برابری حقوق زن و مرد اشاره کرده بود، پس از کسب مقام ریاست جمهوری، ۲ زن را به عضویت کابینه درآورد و ۲ زن را به عنوان مشاور منصوب کرد (رک: شمسینی غیاثوند و نجفی، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

قانون اساسی مصر پس از انقلاب در تاریخ ۲۲ دسامبر ۲۰۱۲ و در میان اعتراضات احزاب و گروه‌های سیاسی به تصویب رسید. اگرچه زنان در ماده ۶ مقدمه قانون اساسی پس از انقلاب همچون مردان محترم شمرده می‌شوند^۱ اما در ماده ۱۰ فصل یک، مادر و دختر خوانده شده‌اند. قید برابری زن و مرد و همچنین سهمیه ویژه زنان در انتخابات مجلس نیز حذف شد و سهمی برابر مردان در پارلمان و قدرت سیاسی به دست نیاوردند. همچنین قانون اساسی می‌گوید که «رییس‌جمهور مصر از پدر و مادر مصری است و نمی‌تواند با زن تبعه خارجی ازدواج کند». به اعتقاد فمنیست‌ها و فعالان حقوق زنان این اصل به طور ضمنی بیان می‌کند که رییس‌جمهور نمی‌تواند زن باشد (یورونیوز فارسی، ۲۰۱۱).

نشانه‌شناسی تصاویر

در حالی که بارت در تحلیل عکس به سراغ عکس‌های خبری نمی‌رود و بر اندیشه سارتر^۲ تاکید می‌کند، اما آن را به عنوان یک «ابژه مردم‌شناسانه» می‌پذیرد و شاید اگر عکس‌های خبری قرن بیست و یکم را می‌دید دیگر با سارتر هم عقیده نمی‌ماند. عکس‌های خبری این روزها بیشتر

۱- بند ۶ مقدمه قانون اساسی مصر می‌گوید: «احترام به فرد با تکیه بر این اصل صورت می‌گیرد که فرد پایه و اساسی بنای کشور است و حفظ کرامت آن به معنای حفظ کرامت کشور است و کشوری که احترامی برای فرد قائل نیست، خود نیز دارای احترام نمی‌باشد و در این بین زنان همچون مردان و نیمی از جامعه و شریک در تمام امور و مسئولیت‌های ملی هستند».

۲- سارتر می‌گوید: «عکس‌های روزنامه‌ها واقعا هیچ چیز گفتنی برایم ندارند» (بارت، ۱۳۹۰: ۳۰).

از انعکاس صرف یک حادثه به دنبال حداقل خلق زیبایی در مجموعه‌ها هستند و آنچه را که بارت به عنوان «پانکتیوم» یا زخم در عکس‌ها جستجو می‌کند، دربر دارند. او اعتقاد داشت که «عکس‌های خبری تک‌سویه‌اند» (بارت، ۱۳۹۰: ۵۹) و هیچ زخم یا ضربه‌ای را به وجود نمی‌آورند. از آن جایی که بارت تأکید می‌کند هر متنی می‌تواند اطلاعات ثانوی را برای تماشاگر یا منتقد به همراه داشته باشد و «هر اثری که ما سرشت نمادین با قوام آن را درک، فهم و دریافت می‌کنیم، یک متن است» (بارت، ۱۳۷۳: ۶۱)، پس هر عکس خبری نیز می‌تواند برای منتقدی که آن را نمادین می‌بیند یک متن باشد که فهم مدلول سری و غایی آن در دامنه علم هرمنوتیک جای می‌گیرد. در نتیجه می‌توان در مرحله نخست یک عکس را به عنوان انتقال‌دهنده اطلاعات ثانویه و در مرحله دیگر آن را متنی سرشار از نشانه‌هایی دانست که معنایی را در همجواری و هم‌نشینی مدلول ورای هر یک از آنها به تنهایی بیان می‌کند. او همچون بودریار معتقد است که «همه اشکال ارتباط بر مبنای تولید و مصرف نشانه‌ها استوارند» (کاستلز، ۱۳۸۲: ۴۳۱). به این ترتیب برای شناخت هر فرد و یا اجتماعی می‌توان به بررسی رسانه‌ها و از جمله تصاویر آنها پرداخت و با تحلیل تصاویر خبری آن اجتماع حداقل به فکتهایی مردم‌شناسانه دست یافت.

تجربه دیده شدن در رسانه برای افراد عادی جامعه در حال گذاری چون مصر امر منحصربه‌فردی است و تغییرات طبیعی ناشی از آگاهی آنان نسبت به حضور رسانه‌ها و دخل و تصرف آگاهانه‌شان در چهره، لباس و بیان، واقعیت را خدشه‌دار می‌کند. با این حال، به اعتقاد عبدالصبور، فعال حقوق شهروندی مصر، «مردم آن چیزی را باور می‌کنند که می‌خواهند باور کنند و کمتر کسی آن قدر صادق است تا با آینه و واقعیت عینی روبرو شود» (Philiptchenko, 2009). اما با وجود این باور و خدشه مذکور «واقعیت به‌طور کامل مخاطب را سردرگم نمی‌کند» (Ibid). به علاوه، عکاسان خبری کمتر به سوژه‌های خود برای ثبت تصاویر آگاهی می‌دهند (کوبر، ۱۳۸۷: ۱۲۰) و صحنه‌های کمتر طراحی‌شده‌ای را از حوادث برای مخاطبان‌شان عرضه می‌کنند. اگرچه این تصاویر ویرایش‌شده خالی از ایدئولوژی عکاس و منافع رسانه منتشرکننده آن نیست، اما نسبت به سایر رسانه‌های تصویری دیگر مانند تلویزیون به واقعیت نزدیک‌تر است.

از میان هزاران تصویر منتشر شده از حوادث مصر در اینترنت گزینش تنها ۵۰ عکس سهل

ممتنع است. با یک بررسی می‌توان دریافت که سهم تصاویر منتشر شده از زنان در حوادث انقلاب مصر تنها حدود ۳۰ درصد از آنهاست. باوجود قوانین مصوب و دستورالعمل‌های لازم‌الاجرا برای رسانه‌های داخلی این کشور، سهم تصاویر زنان از این میزان نیز کمتر می‌شود. در رسانه‌های خارجی اما عکس‌های بیشتری از زنان منتشر می‌شود و می‌توان تصویر روشن‌تری از تداوم حضور آنها در انقلاب یافت. نکته اینجاست که زنان در تصاویر ابتدای انقلاب و همچنین شرکت در انتخابات سهم ۳۰ درصدی‌شان را از عکس‌ها حفظ می‌کنند، اما پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۲ تصاویر بسیار کمتری از زنان منتشر شده است. به‌عبارتی یافتن تصاویری از زنان پس از انقلاب روزبه‌روز دشوارتر می‌شود. عملکرد علیا ماجده المهدی، دانشجوی مصری، در انتشار تصاویری برهنه از خودش و سپس اعتراض به وی یا حمایت از وی تعداد تصاویر زنان را برای مدتی هرچند کوتاه در دوره بعد از انقلاب گسترش داد و این‌بار مردان همچون زنان برای اعتراض یا حمایت تصاویری را منتشر کردند. اگرچه بسیاری از این تصاویر به شکل‌های گوناگون به‌سرعت از دسترس عموم خارج شد، کارشناسان مسائل مصر آن را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوادث در تاریخ فمینیسم مصر ثبت کرده‌اند.

جشن دومین سالگرد انقلاب مصر در التحریر (۲۰۱۳) برخلاف امنیت و آزادی دو سال اولیه زنان برای حضور در اعتراضات به فاجعه انجامید. این اتفاق همچون جرقه‌ای بار دیگر تظاهراتی را با حضور زنان شکل داد که ساکنان دیگر نقاط جهان بتوانند تصاویری از زنان مصر را مشاهده کنند و زن انقلابی مصر را بشناسند. در این تظاهرات اعتراضی برخلاف روزهای نخستین انقلاب، دختران و زنان کمتر از ۲۰ سال کمتر مشاهده می‌شدند. واقعیت آنکه امنیت برای زنان در اماکن عمومی با حضور آنها رابطه معناداری دارد و تعداد آنها با کاهش امنیت کاهش می‌یابد. در تصاویر مصر پس از انقلاب، تعداد کودکان و دختران به‌تدریج به صفر نزدیک می‌شود و در عوض زنان جوان و میانسال افزایش پیدا می‌کند.

از میان تصاویر منتشر شده سایت‌های خبری و خبرگزاری‌های خارجی، معیارهای زیر برای انتخاب عکس‌هایی برای تحلیل در نظر گرفته شد:

- عکس در فضای اینترنت ایران در دسترس باشد؛
- زمان و مکان تصویر منتشر شده یا زمان و عکاس آن شناخته شده باشد؛

- تصویر توسط یک عکاس حرفه‌ای^۱ تهیه و منتشر شده باشد؛
 - تصویر در سایت خبری، روزنامه‌ای و خبرگزاری یا سایت معتبر عکاس خبری منتشر شده باشد؛
 - در تصویر حداقل حضور تعداد انگشت‌شماری از زنان دیده شود؛
 - انتشار تصویر خلاف قوانین جمهوری اسلامی ایران نباشد؛
 - زمان تهیه عکس در یکی از سه رویداد تحصن‌های ابتدایی مردم در میدان التحرير (۲۰۱۱)، اولین انتخابات ریاست‌جمهوری مصر پس از مبارک (۲۰۱۲) و تظاهرات اعتراضی زنان در فوریه ۲۰۱۳ باشد.
- از میان حوادث مهم قبل و بعد از انقلاب مصر حوادث متعددی برای گزینش تصاویر آن وجود دارد، اما این مقاله با توجه به کثرت و گویایی تصاویر موجود تنها سه حادثه را انتخاب کرده است؛ تحصن‌های ابتدایی میدان التحرير، فعالیت‌های پیش و پس از انتخابات ریاست‌جمهوری به همراه حضور زنان در پای صندوق‌های رای و تظاهرات‌های فوریه ۲۰۱۳ برای حفظ حقوق زنان و مبارزه با تعرض و تجاوز. در این مسیر، اصول نشانه‌شناسی بارت روش تحلیل عکس‌ها قرار گرفت و هر عکس ابتدا به عنوان یک رسانه مجزا و سپس به عنوان یکی از مجموعه عکس‌های هر دسته بررسی شد. تحلیل تصاویر هر دسته در کنار هم ابتدا یک نتیجه تحلیلی در هر مقطع زمانی ارائه می‌دهد و کنار هم گذاشتن این نتایج سیر وضعیت حقوق و آزادی‌های زنان مصر از ژانویه ۲۰۱۱ تا فوریه ۲۰۱۳ را روشن می‌کند.

تصاویر التحرير؛ حضور و امنیت

عکس‌های منتشر شده از روزهای ابتدایی انقلاب در میدان التحرير را می‌توان در سه گروه بر اساس زمان وقوع حوادث دسته‌بندی کرد؛ الف- تحصن‌های اعتراضی ابتدایی (۵ تصویر)؛ ب- روزهای اوج پیروزی (۸ تصویر)؛ و ج- پس از آن (۳ تصویر).

۱- در دایره‌المعارف عکاسی، مهم‌ترین ویژگی عکاس حرفه‌ای درآمدزا بودن آن است و عکاسی‌ای که به شکل حرفه‌ای و برای امرار معاش انجام می‌شود با عکاسی آماتور که برای لذت شخصی دنبال می‌شود، متفاوت است. عکاسی حرفه‌ای اصطلاحی است که با در نظر گرفتن همین امر مشترک؛ یعنی درآمدزایی آن در زمینه‌های مختلف عکاسی، به کار می‌رود. عکاسی حرفه‌ای بسیاری از رشته‌های عکاسی را در برمی‌گیرد که از جمله می‌توان به عکاسی تبلیغاتی، تجاری، صنعتی، پزشکی، خبری، پرتره و مجالس اشاره کرد (روح‌نواز، ۱۳۸۴: ۵).

الف) تحصن‌های اعتراضی ابتدایی: حضور زنان از هر سن و قشری در تصاویر تحصن‌ها برای بسیج عمومی به چشم می‌خورد. رنگ‌های متنوع متناسب با سن در تصاویر غالب است، اما نگاه‌های نگران و گرد مرگ پاشیده بر لباس‌های زنان نارضایتی و بی‌صبری را القا می‌کند. برای درک ابهام و اعتراض نمادهای دیگری نیز در تصاویر دیدنی است؛ زاویه نگاه زنان مستقیم و اغلب روبه‌پایین است. گویی فریاد درونی سقوط رژیم راه سرایشی نگاه‌ها را دنبال می‌کند. زنان با هر دیدگاه دینی -محجبه و غیرمحجبه- در این جمع‌ها حاضرند و لباس‌های آنان طبقه ضعیف اقتصادی‌شان را یادآور می‌شود. حضور زنان نه تنها به عنوان حامیان کودکان و مردان آشکار است (تصویر شماره ۱) بلکه به شکل منفرد، فعال و سرگردان نیز وجود دارند. جالب است که تصاویر بدون عمق و اغراق عکاسان از متحصنان التحریر موضع‌گیری روشنی را القا نمی‌کند و اثری از هنرمندی آنان ندارد. سردرگمی و نگرانی در نگاه‌های سوژه‌ها نیز به چشم می‌خورد.



تصویر شماره یک

تنها در یکی از تصاویر این دسته (تصویر شماره ۲) می‌توان به وضوح هم‌نشینی متن و نمادها را یافت. این تصویر با تجسم زنان از هر سنی، برای اجتماع معترضان یک ناظر و دانای کل را یافته است؛ دختر بچه‌ای نشسته بر سکویی نظاره‌گر جمعیت است و واژه تطهیر در پشت سرش او را تنها مصداق این مفهوم و معنا معرفی می‌کند. رنگ زرد لباس او به تعبیر روانشناسان نمادی از ترس و نفرت را که با سرشت او در تضاد است، در مخاطب بیدار می‌کند.



تصویر شماره دو

ب) روزهای اوج پیروزی: تنوع عکس‌ها، تنوع زنان شادمان از پیروزی را به راحتی آشکار می‌کند. زنان از هر سنی در عکس‌ها نمایندگانی دارند. دختران شادمان با لباس‌هایی پاکیزه، چهره‌هایی خندان، پرچم‌هایی در اهتزاز تصاویر را از ذکر تاریخ و نگاه‌های شاد، امیدوار، مطمئن و روبه‌بالای آنان عکاس را از رنگ بی‌نیاز می‌کند (تصویر شماره ۳). زنان به گواه تصاویری از این دست مشارکت‌کنندگان فعالی هستند که با فریاد شادی و اهدای گل به سربازان هادیان جشن پیروزی‌اند. آگاهی و استقلال زنان حتی از پس نقاب مذهب و ملیت به چشم می‌خورد (تصویر شماره ۴).



تصویر شماره سه



تصویر شماره چهار

هم‌نشینی کار و انقلابی‌گری در تصویر پیرزن سیگارفروش به اوج می‌رسد. به‌نظر آرنت مهم‌ترین جلوه آزادی منفی رهایی از فقر است و انسان‌ها برای دستیابی به آزادی منفی به‌این معنی، ممکن است دست به شورش و اعتراض بزنند (رک: بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۴۸). در این تصویر به‌صراحت اولین خواسته زنان انقلابی مصر یعنی نیاز به تحول معیشتی ذکر می‌شود. چهره خندان پیرزن بر سیاهی لباس‌هایش غلبه می‌کند، اما اوضاع اقتصادی نابسامان مصر در دستان او شادی را به تأمل وادار می‌دارد (تصویر شماره ۵).



تصویر شماره پنج

ج) پس از پیروزی: یک روز شادی برای زنان کافی است؛ دختران، زنان جوان و میانسالان. ساختن کشور برای آنها کاری جدی و فوری به نظر می‌رسد زیرا آنها از فردای جشن پیروزی به پاک کردن خیابان‌ها از آثار انقلاب مشغول می‌شوند و زودتر از مردان به نقش فرهنگی خود باز می‌گردند. انگار حضور در صف اول انقلاب برای آنها عمری کمتر از ۲۰ روز داشت. مردان بر سر میراث انقلاب می‌جنگند و زنان عرصه را برای آنان بازسازی و مهیا می‌کنند. عکاس دست به هنرمندی می‌زند و دختران جوان در حال پاکسازی خیابان را در حصار کبوتران به تصویر می‌کشد تا زنان انقلابی مصر وارث معنای صلح و پاکی باشند (تصویر شماره ۶). همان‌گونه که بشیریه می‌گوید مردم به صورت پراکنده در روند انقلاب، قدرت را به دست می‌گیرند و در این تصاویر زنان از هر طبقه، سن و گروهی با استفاده از امنیت موجود در تصاویر سهمی از فعالیت‌های پس از انقلاب را در دست دارند. هر یک به کاری مشغول می‌شوند و به آینده انقلاب امیدوارند در حالی که وضعیت پس از پیروزی انقلاب سیال و ناپایدار است (رک: بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۵۶). بدون شک خشونت و ناامنی می‌تواند قدرت را نابود کند. در این تصاویر قدرت برای زنان به معنای در دست داشتن امور و مشارکت در فعالیت‌های پس از انقلاب است و خشونت علیه آنان ممکن است آنها را از مشارکت سیاسی به شکل حذف عامدانه و خود خواسته برساند (آرنت، ۱۳۸۱: ۲۱۵).



تصویر شماره شش

تصاویر انتخابات؛ بیم و امید

بر اساس زمان بندی انتخابات ریاست جمهوری مصر (۲۰۱۲) سه دسته تصویر از زنان موجود است؛ تبلیغات انتخاباتی (۵ تصویر)، روز رای گیری (۹ تصویر) و سوگواری و شادی پس از اعلام نتایج انتخابات (۲ تصویر). زنان در هر سن و با هر مسلکی در تبلیغات انتخاباتی نقش تماشاچیان شاد مسابقه ای را دارند که هرچه به تصاویر حلقه های اصلی ستادهای انتخاباتی می رسیم، بیشتر تزئینی و کمتر فعال دیده می شوند. تصاویر روز رای گیری از جمعیت زنان متعدد و متکثر است، اما سهم آنها از تصاویر شادی و غم پس از آن اندک.

نشاط و گرمای رنگ ها، سیر و زاویه نگاه ها درست جهت عکس تصاویر متحصنان در التحریر را دارد. هرچند نگاه های آنان روبه بالا، امیدوار و برق امید چشمان شان در روز پیروزی پس از تحصن ها دیده می شد، سیر معکوس آن از پیش از انتخابات تا جشن و سوگ نتایج انتخابات انکارناشدنی است. رنگ های شاد با محوریت تصویر زنان در نقطه طلایی به تصاویری از زنان در روز انتخابات تبدیل می شود که نگاه هایی نگران و فردیتی عجیب در عین جمع گرایی شان نشان می دهد. بیشتر تصاویر این روز گویی سیاه لشکری از زنان را به تصویر می کشد که برای صحنه آرایبی لازم است.

حضور زنان در پس از انتخابات و شمارش آراء همانند حضور در ستادهای انتخاباتی تصنعی می نماید (تصویر شماره ۷). شرکت در شادی پیروزی مرسی و اشک غم زن هوادار مشفق نیز از معدود تصاویری است که از حضور زنان پس از انتخابات موجود است و حضور اندک آنان و حذف دختران خردسال در تصاویر انتخابات، گواه حس ناامنی و سیر حذف دوباره زنان از فعالیت های سیاسی است.



تصویر شماره هفت

تصاویر تظاهرات حقوق زنان؛ آخرین تلاش‌ها

کمیسیون انتخابات نتایج قطعی را ۲۴ ژوئن ۲۰۱۲ اعلام کرد و پس از آن تا دومین سالگرد انقلاب ۲۵ ژانویه تک تصاویری از حضور زنان در اعتراض‌ها منتشر شد. خبر تجاوز و تعرض به زنان در مراسم دومین سالگرد انقلاب باردیگر تصاویری گسترده از زنان را رسانه‌ای کرد. با توجه به آنکه درصد بالایی از جمعیت مصر را جوانان و نوجوانان ۱۰ تا ۳۵ ساله تشکیل می‌دهند و وضعیت شکننده اقتصادی این کشور امکان اشتغال، ازدواج و تشکیل خانواده را برای آنان ممکن نمی‌کند، گسترش اشکال مختلف آزار و اذیت جنسی در مراکز عمومی دور از ذهن نیست.

در تظاهرات زنان علیه این فرهنگ رایج، زنان با چهره‌هایی خشن و جدی مرکز عکس‌ها می‌شوند و این‌بار مردان با تشکیل زنجیره‌های حمایتی به تلاش آنان برای اعلام خواسته‌هایشان یاری می‌رسانند. حذف کودکان و نوجوانان از این تصاویر ناامنی و خشونت را القا می‌کند. رنگ‌های تیره، کثرت زنان و تنوع عقیدتی آنان آشکار است. عکس‌ها یک‌پارچه هستند و دسته‌بندی آنها شدنی نیست. عکاسان با محو کردن تماشاگران توجه مخاطب را به زنان معترض متمرکز می‌کنند. زنانی که با پلاکاردها، فریادها و در دست گرفتن چاقو و قمه این بار با خشونت به دنبال مطالباتشان هستند (تصویر شماره ۸).



تصویر شماره هشت

نتیجه‌گیری

هانا آرنه معتقد است که رهایی از ستم زورگویان و نابرابری‌های طبقاتی، قومی یا اقتصادی در

تمامی انقلاب‌ها نخستین هدف و مشخص‌ترین انگیزه توده‌ها به حساب می‌آید. وی «غایت انقلاب را بنیادگذاری آزادی» می‌داند و باور دارد که «تاکید زیان‌مند بر مرحله نخست، مرحله دوم را با شکست روبرو می‌کند»، اما باور دارد که رعایت حقوق شهروندی از قبیل وجود حق رای، تساوی حقوق مرد و زن، حق برخورداری از آسودگی معیشتی و رفاه اقتصادی، الزاما آزادی را تضمین نمی‌کند، همان‌گونه که رهایی از حکومت مستبد نیز الزاما برابر با آزادی نیست (آرنت، ۱۳۸۱: ۲۰۰).

آزادی از نگاه آرنت تنها زمانی در ساختار سیاسی و اجتماعی محقق می‌شود که آزادی در دو معنای مثبت و منفی عملی شود. آزادی منفی به معنای رهایی از جبر و زور حاکم و «آزادی مثبت به معنای حق انتخاب آگاهانه و استقلال فکری و اخلاقی فرد که مهم‌ترین مظهر آن مشارکت در زندگی سیاسی است» حضور مردم در صحنه‌های اجتماعی، سیاسی و حق همیشگی آنان را برای تعیین سرنوشت شخصی و اجتماعی، نه تنها در هنگام تعیین و تدوین قانون اساسی و یا در پای صندوق‌های رای که در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی افراد تضمین کند. به معنای دیگر آزادی زمانی حاصل می‌شود که افراد دارای هویت سیاسی و اجتماعی باشند تا بتوانند همواره در تعیین سرنوشت خود و دیگران، شریک باشند و این امر بدون وجود برابری اجتماعی ممکن نمی‌شود (آرنت، ۱۳۸۱: ۱۹۸-۲۵۸).

بر اساس ۵۰ عکس بررسی شده در خلال این مطالعه که برخی از آنها در پایان متن آورده شده است، می‌توان به این نتیجه رسید که زن انقلابی مصر به دنبال آن چیزی است که آرنت می‌گوید و زن انقلابی مصر، نیمی از جامعه‌ایست که به دنبال تغییر وضعیت اقتصادی و اجتماعی است. این زن لزوماً مسلمان محجبه و میانسال نیست بلکه زن انقلابی مصر از خردسال تا پیرزنانی است که هنوز انقلاب به خواسته‌هایشان پاسخ نگفته است. این زنان اغلب از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند و از روزهای نخستین انقلاب در تمامی عرصه‌هایی که فرهنگ مردسالارانه مصری به آنها امان داده است، حضور یافته و نه تنها حامی مردان بوده بلکه نقشی مستقل، فعال و آگاه داشته‌اند. آنان در فعالیت‌های متعددی از پرستاری و تهیه غذا گرفته تا رهبری و هدایت تظاهرکنندگان شرکت کرده‌اند، هرچند چهره‌های آنان سیر امید به ناامیدی و آرامش به خشونت را از انقلاب تاکنون به تصویر می‌کشد (Re: Gallup poll, 2012).

نشانه‌های متعددی چون رنگ، نور، زاویه نگاه، ترکیب‌بندی، هم‌نشینی متن و تصویر، سبک و هنرمندی عکاسان، برش و المان‌های نمادین ملی-مذهبی و بین‌المللی به فهم این تصاویر یاری می‌رساند، اما نباید فراموش کرد که «تماشاگر عکس را براساس استادیوم (فرهنگ و آگاهی و پیش‌زمینه‌اش) درک می‌کند» (بارت، ۱۳۹۰: ۴۵). به این ترتیب ممکن است دریافت این معانی برای مخاطب ایرانی با شناخت از فرهنگ اسلامی باشد و مخاطبان غربی معانی دیگر و شاید بیشتری را از این تصاویر دریابند.

فهرست منابع:

- ۱- احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، «دگرگونی‌های مصر؛ از انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ تا سقوط مبارک»، دسترسی در: <http://www.isrjournals.ir/fa/essay/681-essay-farsi-old-213.html>
- ۲- اعتضادالسلطنه، نوژن (۱۳۹۰)، «آیا بهار عربی به زمستان زنان عرب خواهد انجامید؟»، دسترسی در: www.anthropology.ir/node/12440
- ۳- آرت، هانا (۱۳۸۱)، انقلاب، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ۴- بارت، رولان (۱۳۷۳)، «از اثر تا متن»، ترجمه مراد فرهادپور، فصلنامه ارغنون، شماره ۴.
- ۵- بارت، رولان (۱۳۸۶)، امپراتوری نشانه‌ها، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- ۶- بارت، رولان (۱۳۹۰)، اتاق روشن، ترجمه نیلوفر معترف، تهران: نشر چشمه.
- ۷- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- پورشجاعی، ریحانه (۱۳۹۱)، «روایت دیکتاتورشدن سوزان مبارک»، روزنامه جوان، ۲۲ آبان.
- ۹- پیش‌نویس قانون اساسی مصر، دسترسی در: <http://www.tabnak.ir/fa>
- ۱۰- چمنی‌مقدم، مصطفی؛ محمدنبی سلیم و میرزاحمد حسینی (۱۳۹۹)، «بررسی تطبیقی ملی‌گرایی و جنبش زنان در ایران و مصر (۱۳۴۲-۱۳۸۵)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۵، شماره ۳.
- ۱۱- روح‌نواز، علیرضا (۱۳۸۴)، «سرمقاله»، فصلنامه عکاسی حرفه‌ای، شماره ۱.
- ۱۲- شمسینی‌غیاثوند، حسن و خورشید نجفی (۱۳۹۵)، «واکاوی مشارکت سیاسی زنان در جهان اسلام در عصر جهانی شدن؛ با تأکید بر کشور مصر»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۵، شماره ۱۹.
- ۱۳- طباطبایی، حمیده (۱۳۸۱)، «کار زنان برآوردی از سود و زیان‌ها؛ جنسیت و اشتغال در مصر»، نشریه حقوق زنان، شماره ۲۱، فروردین.
- ۱۴- العاقلی، شیما (۱۳۹۰)، «گفت‌وگو با دکتر شیما العاقلی»، سایت دختریان، دسترسی در: http://www.dokhtiran.com/dialog/1390_11_12/000352.php?q=print
- ۱۵- عزتی، محمد (۱۳۹۰)، «حقوق زنان در مصر»، دسترسی در: <http://bashariat.org/fa/%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%86%D8%AF%D8%B1%D9%85%D8%B5%D8%B1.htm>
- ۱۶- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۲)، عصر اطلاعات؛ جامعه شبکه‌ای، جلد اول، ترجمه احد علی‌قلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- ۱۷- کوپر، کنت (۱۳۸۷)، فتوژورنالیسم، ترجمه اسماعیل عباسی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ۱۸- کین، جان (۱۳۸۳)، رسانه‌ها و دموکراسی، ترجمه نازنین شاه‌رکنی، تهران: طرح نو.
- ۱۹- لا، بیل (۱۳۹۰)، «انقلاب مصر از نگاه پنج زن»، بی‌بی‌سی فارسی، ۱۳۹۰، دسترسی در: http://www.bbc.co.uk/persian/world/2011/04/110413_u03_egypt_five_women.shtml
- ۲۰- مجدی، نعمت (۲۰۰۹)، «راویۀ عطیۀ: أول نائبۀ مصریۀ بعد الثورۀ»، جریده الراي: <http://www.alraimedia.com/alrai/Article.aspx?id=152068>
- ۲۱- همدانیان، فاطمه (۱۳۹۱)، «زنان به دنبال جایگاهی در مصر بعد از مبارک»، دسترسی در: <http://zananpress.com/archives/28836>
- ۲۲- یورونیوز فارسی (۲۰۱۱)، «اصل ۷۵ قانون اساسی مصر، مانعی برای مشارکت برابر زنان»، دسترسی در: <http://persian.euronews.com/2011/03/08/egypt-s-women-under-represented-in-reforms>
1. Atass, Basma (2011), "The new Egypt: Leaving women behind"; at: <http://www.aljazeera.com/indepth/features/2011/03/201138133425420552.html>
2. Aziz, Sahar (2011), "What Egyptian Women and Men Want", Foreign Policy; at: http://www.foreignpolicy.com/articles/2011/03/10/what_egyptian_women_and_men_want#1.

3. El Deeb, Sarah (2012), "Man goes undercover as a woman to investigate sexual harassment in Egypt"; at: <http://news.nationalpost.com/2013/05/13/man-goes-undercover-as-a-woman-to-investigate-sexual-harassment-in-egypt/>
4. Gallup poll (2012), "After the Arab Uprising: Women Rights, Religion and Rebuilding, 2012"; at: <http://www.gallup.com/poll/155306/arab-uprisings-women-rights-religion-rebuilding.aspx>
5. Herald Journal (1957), "Innovation for Egypt: Women Office Seekers Create Furor"; at: <http://news.google.com/newspapers?id=NjIsAAAAIBAJ&sjid=Z8sEAAAAIBAJ&pg=5865,748457>
6. Introduction of women and gender issues in Islamic Studies and Middle East Section of Cornell University Library, "The Statue of Women in Ancient Egypt"; at: <http://www.library.cornell.edu/colldev/mideast/womneg.htm>
7. National Post Daily (2013), "Man goes undercover as a woman to investigate sexual harassment in Egypt"; at: <http://news.nationalpost.com/2013/05/13/man-goes-undercover-as-a-woman-to-investigate-sexual-harassment-in-egypt>
8. Philiptchenko, Tatiana (2009), "Interview with Moataza S. Abd Elsabour"; at: <http://www.egyptianwomen.info/moataza-sabd-elsabour.html>
9. Picone, Peter (2005), "The Status of Women in Ancient Egyptian Society", at: <http://www.virtual-egypt.com/newhtml/special/women>.
10. Population in Censuses by Sex & Sex Ratio (1882–2006), Central Agency for Public Mobilization and Statistics, Retrieved 2011-04-17; at: http://en.wikipedia.org/wiki/Census_in_Egypt
11. Seawright, Caroline (2001), "Women in Ancient Egypt", 2001; at: <http://www.markville.ss.yrdsb.edu.on.ca/projects/classof2007/16chong/kim/Egyptian%20Women1.htm>
12. Shokalmay, Hania (2012), "Women Want Hero"; at: www.cnn.com/2012/05/22/opinion/egypt-women-election-shokalmay
13. Taher, Nadia (2012), "We are not Women, we are Egyptians': Spaces of Protest and Representation"; at: <http://www.opendemocracy.net/5050/nadia-taher/we-are-not-women-we-are-egyptians-spaces-of-protest-and-representation>